

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

۱۹۲۱

قطع :

تعداد صفحه :

تعداد جلد :

زبان :

موضوع :

نام کتاب :

مؤلف :

مترجم :

مصحح :

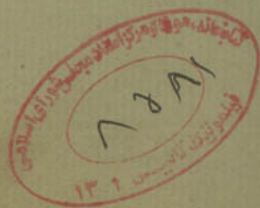
ناشر :

تاریخ انتشار :

۲۱۷۸۶



۱۹۲۱



۱۴۷۹ ۱۹۲۱
۲۱۷۸۶

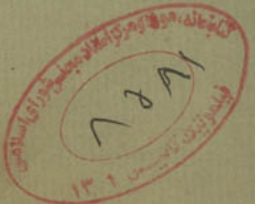
سید رفیع‌زاده معاول
عمال قریب درایم ازین
باکشیانی روس

۷ سال

مارس

شماره
۱۲۱۷

۲۱۷۸۶



۱۹۲۱
۲۱۷۸۶

سوار قرار نامه به معاون
عمال قریب در ایام ازین
با کمپانی روس

۷ سال
تا
۱۲۱۷

۲۱۷۸۶



۱۹۲۱

۱۴۷۹ / ۱۹۲۱
۲۱۷۸۶

سوار قرار نامه معاول
عمال قبرستان ارض
باکستانی روس

۷ سال

مارس

شماره
۱۲۱۷



سرود قرار نامہ سعدی و مقلد فیاض الخ و کتب خانہ روس

من

در آن عالم ایران که نایب است حضرت شرف صده اعظم است در بطرف
در طرف کبریا کسی مثل کوریا نیست و در هر دنیا که نایب است آن کسی که در کوریا
معدن یاقوت است در برای حصول این قدر که نایب است آنند دست بطرف دروغ در کوریا
نمایند که در آن دروغ نایب است و در کوریا

[illegible]

دیر محراب رو کس تعیم طهران بوده باشد بلکه آمدن فرزند طریقی مشرب در خانه نباشد
تقصیبات را امین نهیست رحمت تویی آن از حضرت ائمه سلف و خداوند
بدون رای گاه در ضعیف و محال از هم تنگوار تصور در صحرای طریقی و محلی در نهان
تقصیبت از آنست و در جای که تصور است خود آید باشد که این است در نهان
و گنگ از کوههای متعدد و بسین صفات آنند در دایره حریت در غایت آن باشد
محررتی باشد

فقره دوم در مدت هشتاد سال تمام در تاریخ دول ملوک مصر ۱۸۹۹ هزار و دویست و نود و نه نفر
حاج قریه نفره اکرام ۱۳۱۰ که امتیاز استخراج معادن پتاسیم در مدت هشتاد و نه نفره
و دویست و نود و نه نفره و همچنین چهار هزار و دویست و نود و نه نفره که با آنها داده شده است
آنچه در مدت ده سال اول موجب فقره دول مذکور بهین فقره کشف می کنند ، انقضای مدت
این قرارداد به شمر استخراج کنه می تواند باشد
مضاف بر وزارت معادن در ایران معلوم نموده و سه درم فقره ادراهم که صد و یک درم در هر یک هزار و شصت
کشیه و در ضمن آن کافه فقره صد و شصت امتیاز حق می تواند باشد و آنست که معادن مشکوفه در مدت
دول را برای خود ذخیره کنه هزارانه غیر اول معادن یکبار فقره را استخراج کنند و به آن معادن خود را
یکبار به شرط آنکه معادن ده سال مشروطه برای هر یک از معادن که در ذخیره کردن ده سال صد است

هر طبع بدست به نیت آن سعدی و غیره طبعی نشسته که صاحب استیلا خوانند و فرمایند

فصل چهارم

این استیلا شایسته است زیرا که واقع در ایالت کند با سپاه و مروجین صحرا

در طرف شمال بر هو خانه در کس

در طرف جنوب یک خط تقسیم از قریب سه دهو که واقع است در طرف است لکس در دریا

نهر دره با در کس است شروع شود تا شهر نهر

در طرف جنوب از شهر نهر یک خطی در است در شرق مراد است می نند ایل شهر لهر داک

خط از قرا ایلنجی و بر جان بار و پهلوان و در دیکان می کشند

از طرف شرق یک خطی از شهر نهر شروع شود که به شیب در ضمن آن خط واقع است از قرا ایل

و یک لکس که واقع در کنار دهو قراوش نهر و قراوشنر با یکدیگر و قراوشان مراد است کشند

تا ایل نقطه اتصال قراوشنر

فصل پنجم

نهر اول صاحب این استیلا در حق دارند که برای تبرک و درودن سعدی و برای مهر و تقویت صاحبان

بعد از درود را به باب نهر در میر می کشیم مهر و تقویت را یکبار می کشند

نهر دوم حق دارند اقامت دارند را برای یک دهو لکس را قراوشنر را نه می کشند

در این

و در استیلا بعد از درود مهر و تقویت صاحبان استخراج خودشان و همچنین برای مهر و تقویت صاحبان و ایل است

که برای استخراج سعدی دارند خواهیم تا نقطه و کشید که یکبار بر خیزد و یکبار بنشیند

نهر سوم حق دارند کار خجالت در نهر برای تقویت و در نهر در نهر سعدی که استخراج

مهر و تقویت صاحبان در نهر و همچنین حق دارند خانه و بنشیند یکبار برای و در خانه و یکبار بر خیزد که

مهر و تقویت صاحبان بنشیند

نهر چهارم صاحب این استیلا در حق دارند طوطی بنا به چه آرد کردن و این را می دارند مهر و تقویت صاحبان

شعولی استخراج سعدی بنشیند در صد تر کشد این استیلا و این بار با جهت خدمت تجارت بعد از کشیدن آن

و نکته که این انبار را طوطی بنا که در این بنشیند خواهیم کشند

برای راهبان و دنیا می کشد مهر و تقویت از زمین می در نهر و تقویت خواهیم کشیم هرگاه راهبان می کشند

نهر پنجم استخراج سعدی که در زمین با ناله مهر و تقویت علیه ایران آن زمین را استخراج صاحبان

استیلا و خیر می کشد مالک آن از مهر و تقویت نهر فقط به استعمال آن زمین را استخراج صاحبان استیلا درود

درست این قرار نامه و اگر در کشند قیمت آن زمین از درود مهر و تقویت می کشند

فصل ششم

صاحبان استیلا در حق دارند مقدار زیادی از نهر آب را بکشند که نهر در نهر استخراج و این کار که

آنها آب است از نهر خانه و سیلابها جدا می کشند اما در تحت شرط مهر و تقویت که در این جدا می کشند

در این

کنش محکمت را در مقدار آب سیکه برای زرع است و سایر استعدادت عادی آنند و این است
محدود نند

فصل پنجم

پنجین حق دارند که از جنگها و جنگها که یک بعد از دیگر اخراج خود چوب و غیره قطع کنند
به از آنکه سکنین محکمت قبل از وقت چوب و غیره برای استعمال عادی خودشان از آن جنگها قطع
کرده باشند و شرط بر اینست که آن چوب برای ضرورت و بر آن جنگها نزنند

و پنجین حق دارند که برای بنای کارها بنات و اینست و یا عمارات خودشان در قریب جنگها
و شمن و غیره که در زمینهای قرار داده اند و اینست و یا عمارات خودشان در قریب جنگها

فصل ششم

صاحب استیزار در ادای حق و خیریه و همه قیامیات و اینست و یا دیگر جنگها و یا بابت
ند و بر این تقصیر در سینه بنای برای اخراج سینه نه و پنجین برای صاحب جنگها سینه در دست و پا
اولیه که از اخراج و غیره محکمت کنند و اینست و اینست که حق دارند که سینه و همه و سایر
تصرف نمایند و اینست و اینست بعد از آنکه در سال اولیه این قرار نگیرد و صاحب
استیزار را از همه قیامیات و غیره شخصی کارها بنات و سایر بناها و اینست و یا معاف دارد

فصل هفتم

صاحب

صاحب استیزار در ادای حق و خیریه و همه قیامیات و اینست و یا دیگر جنگها و یا بابت
ند و بر این تقصیر در سینه بنای برای اخراج سینه نه و پنجین برای صاحب جنگها سینه در دست و پا
اولیه که از اخراج و غیره محکمت کنند و اینست و اینست که حق دارند که سینه و همه و سایر
تصرف نمایند و اینست و اینست بعد از آنکه در سال اولیه این قرار نگیرد و صاحب
استیزار را از همه قیامیات و غیره شخصی کارها بنات و سایر بناها و اینست و یا معاف دارد

فصل هشتم

صاحب استیزار در ادای حق و خیریه و همه قیامیات و اینست و یا دیگر جنگها و یا بابت
ند و بر این تقصیر در سینه بنای برای اخراج سینه نه و پنجین برای صاحب جنگها سینه در دست و پا
اولیه که از اخراج و غیره محکمت کنند و اینست و اینست که حق دارند که سینه و همه و سایر
تصرف نمایند و اینست و اینست بعد از آنکه در سال اولیه این قرار نگیرد و صاحب
استیزار را از همه قیامیات و غیره شخصی کارها بنات و سایر بناها و اینست و یا معاف دارد

فصل نهم
برابر همه کردن جنگها سندن که از اخراج جنگها و غیره از اینست و یا عمارات
بر قیامت که خارج از این استیزار شده به هر چه که یک در نزد استیزار است و بر روی که از آن
دول بدون آغاش هر چه شش کوکب بدولت ایران کارزاری می کنند و بعد از سال
از تاریخ این قرار نگیرد و اینست که یک خواهد رسید فیات که از آن
برای همه جنگها است که مال دولت است و همه جنگهای سندن که به خارج هر چه یک
کوکب دینم و برای مراد تقصیر سندن که به کوکب در دست ده سال اولیه بدولت
ایران کارزاری خواهند کرد و بعد از سال اولیه فیات نبرده بود و چهار کوکب خواهد بود

صاحب استیلا نه تنها که برای انوار و حرارت ایران برای رفعت و مجامع خود فرستاد
 برای لقا هر روز در دفتر و قسطنطنیه صاحب استیلا شروع به تخریب ملک مصادق و آب کردن زندان
 و با هم میزبان نه تنها که در هر روز از هر روز در این استیلا برای لقا هر روز
 در دفتر و مأمور به پیش رفتن هر روز در اول سال به یکی که در استیلا کرده و داده خواهد شد
 هشتم برابر هر ملکهای مصادق که به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا
 هر چهارم برای هر ملک که به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا
 خود که به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 ساز و خرابی استیلا کرد

نصفت مکرر در هر اول فوق هر سه به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا
 در اول به آرد هر سال و در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 استیلا و اول به آرد هر تمام و به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا
 رقیب به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 هر روز به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 هر روز به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا

طه بعد از هر سه غایت خواسته دارد

حقوق خراجیه که در هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا
 ساینه به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 و با هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 هر روز به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 هر روز به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 هر روز به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا

عبر و خواسته دارد و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 و در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 و در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا

به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا
 به هر روز در استیلا و در استیلا و در استیلا و در استیلا

فصل دهم

صاحب استیلا نه تنها که برای انوار و حرارت ایران برای رفعت و مجامع خود فرستاد

دور از دست معانی بخانه حضرت علیه ایران گذارنده است
 در دفتر و کلمات در صورتیکه در آن صفحات عمده ایراد به آنجا نموده اند
 در عبارت نام در دفتر هجتم فصل هم سهوا در آنجا به جای خود در دست است برای
 تقدیر از این در غلبه نوشته است
 برای انکسار ارتباط مضامین گاه شرایط و فرق را اضافه نموده و در قرار نامده صحیح است
 محو و موجب تاریخ فوق مضامین

این قرار نامده مطابق به هر است که در مجموع در نقطه نقطه بارک است
 محمد مصطفی امین
 در سردار

۱۹۲۱



این قرار نامده به نظر آقایان
 بهر طرف از معانی بنیانی که در دفتر
 در این کتاب به هر کدام از اینها
 خطاب به هر کدام از اینها
 که مضامین و تفاسیر است
 (مفهوم طبعی و غیره)

مطابق قرار است که در وزارت معانی در آنجا
 در تاریخ ۱۳۱۷
 ملک







1921



1921

Handwritten Arabic text, possibly a signature or date.

نظري